



## International Theatre Institute ITI World Organization for the Performing Arts

استادان واقعی تئاتر به آسانی، دور از سن (استیج) یافت می شوند. و به طور کلی آنها علاقه ای ندارند که تئاتر را مانند یک ماشین ببینند که عادت ها و حرکت ها را تکرار می کند و باعث تولید مجدد کلیشه ها می شود. آنها در جستجوی دگرگونی هستند، جریان زندگی که تمایل دارد تا شیوه های مرسوم سالن های تئاتر را دور بزند و جمعیتی از مردمی مشتاق که به دنبال کپی برداری از برخی مضامین می باشند. ما به جای ایجاد دنیاهایی که روی گفتگو با مخاطب تکیه دارند یا روی آن متمرکز می شوند، و به جای تمرکز روی هیجانات زیر سطحی، فقط یک نسخه تکراری و کپی شده از آنها را ارائه می دهیم و در واقع هیچ چیزی وجود ندارد که آشکار کننده مضامین پنهان باشد و بتواند بهتر از تئاتر عمل کند. (تئاتر بهتر از هر چیز دیگری از عهده این کار بر می آید).

اغلب اوقات برای بحث راهنمایی و مشاوره از من دعوت می شود هر روز که می گذرد، درباره نویسندگانی فکر می کنم که یکصد سال قبل درباره ی تنزل خدایان اروپایی مطلب می نوشتند، و باعث فرو رفتن افکار مردم در تاریکی ها و ابهاماتی می شدند که می بایستی روشن شوند. من دارم به فرانتس کافکا، توماس مان، و مارسل پروست فکر می کنم. من امروز جان مکس ول کوتزه را نیز در آن گروه پیام آوران می بینم.

حس مشترک آنها از پایان گریز ناپذیر جهان- نه سیاره بلکه مدل روابط انسانی- و مرتبه اجتماعی یک جریان ترحم انگیز برای ما می باشد. برای ما که پس از پایان دنیا (از نظر آنها) زندگی می کنیم. کسانی که در برابر جرایم و تضادهایی زندگی می کنند که در مکان های جدید سریعتر از سرعت رسانه ها در حال گسترش می باشد. این آتش سوزان به سرعت در حال رشد بوده و گزارش های خبری را می سوزاند به گونه ای که هرگز بازگشتی برای آنها متصور نیست، و ما احساس درماندگی می کنیم، نگران و مضطرب هستیم. خیلی طول نمی کشد که دیگر توان ساختن برج ها از ما رخت بریندد و دیوارهای عظیمی که بنا می کنیم نمی توانند از ما در برابر هیچ چیزی حفاظت کنند. بر عکس آنها خودشان محتاج محافظت و نگهداری هستند، فرآیندی که قسمت بزرگی از انرژی مان را به خود اختصاص می دهد، ما خیلی دوام نمی آوریم و توان برای تلاش در گریز از مشکلات ماورای درها و دیوارهای برافراشته، وجود نخواهد داشت. و این جواب این سوال است که چرا تئاتر بایستی وجود داشته باشد و در کجا بایستی به دنبال قدرت نهان شده در آن باشیم. بایستی جاهایی را جستجو کنیم که جستجو در آنها امکان ناپذیر می باشد.

(داستان به دنبال شرح چیزی است که نمی توان آنرا شرح داد، چون با حقیقت گره خورده است، و بایستی در یک حالت بدون شرح پذیری به پایان برسد). این همان چیزی است که کافکا به عنوان تبدیل داستان پرومئوس شرح داد. من قویا احساس می کنم که از همان کلمات بایستی برای شرح تئاتر استفاده کنیم. و آن خودش نوعی از تئاتر می باشد، نوعی که با درستی و حقیقت گره خورده است و پایان خودش را در پی شرحی می یابد که من آن را برای همه ی فعالانش آرزو می کنم، آنهایی که به روی سن می روند، آنهایی که با مخاطب ارتباط برقرار می کنند و من این را از صمیم قلبم آرزو می کنم.

تئاتر تی تووک